



افسانه شفیعی

بیشترین تأثیر هوشنگ سیحون، پرورش شاگردانی بود که به‌خوبی دریافتند با اندوخته‌ای غنی که به‌دست آورده‌اند، چه کنند. شاگردان وی که همه از چهره‌های برجسته معماری معاصر ایران هستند، توانستند پلی بسازند میان گذشته و امروز تا نهال معماری مدرن ایران در سال‌های گذشته آسیب نبیند و به رشد خود ادامه دهد. مهندس حسین زین‌الدین از شاگردان هوشنگ سیحون است که دو بال معماری را که سیحون بیش از هرچیز بر آن تأکید می‌ورزید، با وفاداری هرچه تمام، به نسل‌های تازه رساند؛ عملکرد و زیبایی.

**کامهندس سیحون**، شخصیت ناآشنایی نیست. بنابراین سؤال را از منظر دیگری می‌پرسم که به نظر شما سیحون چه بود و چرا بود؟ اگر ایشان نبود، معماری ما چه سمت‌وسویی می‌گرفت؟ در واقع ضرورت تاریخی وی چه بود؟

من برای اینکه به سؤال شما پاسخ بدهم، مجبورم به دو تقسیم‌بندی مبهم و غیردقیق رجوع کنم؛ یکی شخصیت خود سیحون و دیگری زمینه‌ای که در آن بالیده و رشد کرده است. در مورد سیحون هردو اینها در یک اتفاق برجسته‌ای رخ داده است. تنها او نبوده و خیلی از روشنفکرانی که در آن زمان بودند و استعداد و قوه خلاقه داشتند، آدم‌های برجسته‌ای شدند. اگر شما به معاصران سیحون که تقریباً آغازکنندگان بودند نگاه کنید، می‌بینید آدم‌های مهم و جالبی هستند و در ادبیات، جامعه‌شناسی و هنر کارهای ارزشمندی کرده‌اند. درواقع زمینه اجتماعی خاصی، در ابتدای مدرن‌شدن و نه شروع مدرنیسم در ایران وجود داشت. شروع‌کننده‌ها همیشه از کمترین امکانات و بیشترین خلاقیت برخوردارند. درحالی‌که ما آدم‌های عادی از بیشترین امکانات و کمترین خلاقیت برخورداریم. در زمانه سیحون اخذ و تبادل فرهنگ امر مستحسنی بوده است. تعامل فرهنگ‌ها یک ارزش به حساب می‌آمده و کسی حالت محاصمه فرهنگی نداشته است. بسیاری از ادیبان ما در عین تسلط به ادبیات و زبان فارسی، بسیار به ادبیات دیگر فرهنگ‌ها علاقه‌مند بودند. هنرمندان ما در عین علاقه‌ای که به مرز هو خودشان داشتند، حالت تخصمی نسبت به فرهنگ‌های دیگر نداشتند و این اتفاق آرام و خوب، میوه‌های بزرگی داده است. درحالی‌که در دوره‌های تخصص و رادیکالیسم فرهنگی هیچ‌وقت این میوه‌ها و پیوندها به وجود نمی‌آید. چه ما مخالف مدرنیته باشیم و چه نباشیم، چه علاقه به سنت‌هایمان داشته باشیم و چه نه، نحوه زندگی‌ای داریم که نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. ما شهرهای بزرگی داریم، ما از اتومبیل استفاده می‌کنیم، ما به بیمارستان نیاز داریم، ایستگاه راه‌آهن و فرودگاه و لوله‌کشی آب می‌خواهیم. اینکه به‌خاطر سنت از این نیازها صرف‌نظر کنید، اصلاً خارج از بحث منطقی و عقلانی است. بنابراین، شما کجا می‌توانید هویت جدیدی که با واردشدن بسیاری از پدیده‌های تازه لازم دارید را تجربه کنید؟ آنجا که به تعامل فرهنگی معتقد باشید. سیحون خوشبختانه در دوره‌ای بود که با قدرت خلاقیت بالا، از این تعامل فرهنگی سود بسیار جست. همه کسانی که از سیحون سخن می‌گویند تکرار می‌کنند او عاشق ایران بود ولی اگر دقت کنید سیحون به‌طور کامل یک معمار مدرن هم بود. چطور این با هم سازگار شد؟ فقط در تعامل فرهنگی می‌توانست جوش بخورد. در نتیجه سیحون بزرگ‌ترین نقشش این بود که ما را با آramش تمام به طرف آن زندگی‌ای که نمی‌توانستیم از آن احتراز کنیم، سوق داد. برای مثال مقبره ابن‌سینا را نگاه کنید. آنهایی که هویت را با تقابل فرهنگی و غیرت ترجمه می‌کنند، شاید فقط میل کنید قایوس را ببینند، اما آنهایی که از منظر تعامل فرهنگی به آن می‌نگرند، آن پلت‌فرم و مصطبه و جایی که برج روی آن نشسته را نیز می‌بینند. یک گوشه چشم به معماری مصری دارد، یک گوشه چشم به پنجره‌های کلاسیک یونان و به‌قدری با دقت این تعامل فرهنگی صورت گرفته که به گمان من یکی از کارهای مهم و قابل تحسین وی است. این اولین بار بوده که معماری توانسته با طرافت خاصی تعامل فرهنگی را ایجاد کند. هیچ احترازی نداشته تا اگر از هر گوشه دنیا فکری به نظرش می‌آید، از آن بهره برد و در یک آمیزش هنرمندانه شکل جدیدی خلق کند. دوام ما در معماری به خلق جدید است. به تقلید قدیم نیست. بنابراین سؤال شما مشخصه‌های دوره‌ای را به ما نشان می‌دهد که این تعامل فرهنگی وجود داشت. من به این دلیل راجع به خلاقیت سیحون چیزی نمی‌گویم که شما گفتید راجع به خلاقیت وی حرف‌های بسیار زده شده است، اما می‌خواهم بگویم آن مرز و زمینه‌ای که سیحون در آن بزرگ شد، چون واجد عنصر تعامل فرهنگی بود. خلاقیت وی را به متنها درجه شکاف داد.

**کا**دغدغه تمام معماران امروز شاید این باشد که با گذشته و سنت خود چه کنیم؟ به نظر شما گذشته می‌تواند سرمایه امروز باشد؟ یا می‌توان همچون واکنش اروپاییان بعد از جنگ جهانی، گذشته را فراموش کرد و به یاد نیاورد؟

معلوم است که گذشته بزرگ‌ترین سرمایه ماست. ممکن است یک اروپایی دچار چرخ شده باشد و بخواهد گذشته را فراموش کند، اما ما از آن طرف بام افتاده‌ایم و آن‌قدر گذشته برایمان عزیز می‌شود که جلو خلاقیت ما را می‌گیرد. گذشته برای همه و به‌خصوص نسلی که سیحون متعلق به آن است، سرمایه بوده ولی صرفاً خودشان را محصور در گذشته و تقابل با سرمایه بشری نمی‌دیدند. سرمایه بشری برایشان جذاب بوده است. دست دراز می‌کردند و آن سرمایه را با سرمایه خودشان عجین می‌کردند و از درون آن کارهای خلق می‌آفریدند. ستون‌های مقبره نادر یک مفهوم تازه است، سیحون کلا در یک حالت آشتی فرهنگی زندگی می‌کرد. برای او هر واقعه فرصتی بود که چیز جدیدی پیدا کند، اما این فرصت بسیار گرانبها و این سرمایه گران‌قدر جلو هم نایستادند. اینها دست در دست هم پیش می‌رفتند، من بحث‌های سنت و مدرن را بسیار پی‌فایده می‌دانم. طرح این سؤال ناشی از شناختن زندگی بشری است. زندگی بشری یک زندگی متحرک برای استفاده از سرمایه بشری است. شکوفاترین دوران‌های تمدنی ما زمانی بوده که با آغوش باز به استقبال دیگر فرهنگ‌ها رفته‌اند. کل پایه‌های معماری اسلامی بر روی چیست؟ قوس‌ها، چارطاق‌ها و تمام فرم‌هایش از دوران ساسانیان است. اصلاً کسی به فکرش نمی‌رسید و معقول نمی‌دانست حالا که مسلمان شدیم، معماری‌مان را کنار بگذاریم. حتی دیوان‌سالاری ساسانیان را گرفتیم و از آن یک تمدن جدید ساختیم که نه ساسانی است و نه بی‌هویت. اصولاً طرح مسئله هویت به‌صورت مقابله، یک خطای منطقی است. خودم به‌شخصه هیچ‌وقت کتاب‌های مقابله سنت و مدرنیته را نمی‌خوانم. هویت من که گذشته من نیست، هویت من حال و آینده من است. گذشته، هویت پدران من است و سرمایه زندگی امروز من کسی که سرمایه دارد، از سرمایه‌اش استفاده می‌کند، کسی صاحب قوه عقل است که از نیروی عقلش بهره می‌گیرد و از این نیرو در حال و آینده استفاده می‌کند. تصور این تقابل شاید علل سیاسی دارد. اتفاقاً مبدع آن اروپایی‌ها هستند و آن روشنفکری قرن‌نوزدهم که می‌خواست در مقابل تمدن‌های دیگر دیوار بکشد و آنها را حقیر بشمارد. نگاه کنید به آرامگاه خیام یا مقبره ابن‌سینا، ببینید ما چطور

مهندس حسین شیخ زین الدین در گفت‌وگو با «شرق»:

# «سیحون» دست‌های بزرگ داشت ودهانی بسته



زبان خودمان را به تجربه بشری تبدیل کرده‌ایم. ما که هیچ‌وقت گنبد قایوس محوف نداشتیم. یک میل آجری بزرگ داشتیم به نام بنای گنبد قایوس. سیحون این را تغییر داد و درعین‌حال نگهش داشت.

**کامعماری از دیدگاه سیحون چه بود؟**

سیحون یک معمار مدرن بود. به این معنا که با تغییر شرایط، ذهن او هم تغییر کرده بود و برای مقاصد تازه‌ای معماری می‌کرد. سیحون یکی از بنیان‌گذاران معماری مدرن است که امروز ما در ادامه آن عمل می‌کنیم. کسان دیگری هم بوده‌اند که نقش خودشان را بازی کرده‌اند. خوب درس خوانده بود و خوب تمرین کرده بود. به معنای دقیق هنرمند بود و خاصیت هنرمند این است که چیزی را به وجود می‌آورد که وجود ندارد. یعنی ایجاد رخداد می‌کند و جهت نشان می‌دهد. مقبره خیام هندسه‌ای بسیار مدرن است. ما چنین سوابقی نداریم اما مقبره خیام از نقش سنتی ما به وجود آمده است. هیچ چیز بهتر از دانشمندبودن عمرخیام نیست تا وجه ریاضی او با وجه شاعری‌اش درهم آمیخته و نقش واحدی بیافریند. سبکی مقبره با سبکی اشعار خیام یکی است و مقدر با وجه دانشمندبودن خیام هماهنگ است.

**کاسیحون علاوه بر مقبره‌هایی که ساخته، تعدادی منزل مسکونی و کارخانه نیز ساخته است. به‌عنوان کارشناس چه ویژگی‌هایی در دیگر آثار او می‌بینید؟**

تفاوت سیحون با معماران هم‌عصرش این بود که بسیار خوب مصالح را می‌شناخت. تمام پایه‌ها و ردیف‌های اول ساختمانی سیحون از یک استحکام خاصی برخوردار است. کاربرد سنگ، فرم معماری جدیدی را لازم داشت. دکتر علی‌اکبر صرامی می‌گوید که بعد از دوران هخامنشی، ما کسی را نداریم که از سنگ، به این خوبی استفاده کرده باشد. این را من به نقل او صرامی می‌گویم. متأسفانه دو تا از کارهای خوب سیحون نابود شد. یکی دفتر کارش بود که من مدتی آنجا کار می‌کردم و تمام زوایای آن را می‌شناختم. این دفتر همیشه مورد تحسین من بود. پایه و اساس ساختمان، سنگ فوق‌العاده قوی و محکمی بود و نمای بدنه دفتر از یک شیشه تمام‌قد ساخته شده بود که به ساختمان صورت مدرنی می‌داد. استفاده از شیشه در آن زمان و نوع استفاده‌ای که سیحون در این ساختمان به‌کار برده بود، بسیار بی‌سابقه است و قدرت خلاقه سیحون را نشان می‌دهد. یک حجم شیشه‌ای سبک روی حجم سنگی سنگین استوار شده بود و در قسمت بالایی، ساختمان مسکونی قرار داشت که یک سه‌پارچه زیبا را تشکیل می‌داد. اصلاً نمی‌دانم چرا ساختمانی به آن خوبی، با این بی‌دقتی تخریب می‌شود. این دفتر در خیابان جمهوری فعلی و شاه سابق بود. منزل مسکونی‌اش در دروس و خیابان سلطنت‌آباد سابق نیز روی پایه‌های سنگی بنا شده بود. نعل درگاه این منزل یا لنتو آن، یک تیرآهن بسیار قوی است که کاربرفش در آن زمان معمول نبود. در کار سیحون هم فن و هم زیبایی‌شناسی ساختمان در هماهنگی کامل قرار داشت.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                       |  |                                                                     |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|---------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>                                                                                                                                                                                                                   |  | <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span> |
| <b>گذشته برای همه و به‌خصوص نسلی که سیحون متعلق به آن است، سرمایه بوده ولی صرفاً خودشان را محصور در گذشته و تقابل با سرمایه بشری نمی‌دیدند. سرمایه بشری برایشان جذاب بوده است. دست دراز می‌کردند و آن سرمایه را با سرمایه خودشان عجین می‌کردند و از درون آن کارهای خلق می‌آفریدند</b> |  | <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span> |

**کافکر می‌کنید موسیقی تا چه حد بر معماری او که از خانواده اهل موسیقی بود، تأثیر گذاشته باشد؟**
من راستش خیلی احاطه بر بحث‌های متافیزیکی ندارم. تأثیر موسیقی و اشراق را بر آثار او نمی‌دانم. سیحون هزاران وجه دارد. مثل همه آدم‌ها، اما وجه خلاقیتش را نباید با وجه شخصیتش ارتباط داد. تمام وجود انسان به‌صورت وحدت دیدن اصولاً بحث منحرف‌کننده‌ای است. من تا تاریخ هنر مثال‌های زیاد ن‌دهم، فاضلانی به زعم تا بحتم روشن نشود. یکی از نقاشان رنسانس به تعبیر تاریخ‌نگار رنسانس «جورجیو واساری»، کسی است به نام «کاراواجو» که شاید یکی از بزرگ‌ترین نقاشان رنسانس باشد اما واساری برای نوشتن تاریخ زندگی این شخص جز در کلانتری‌ها و مکان‌های پست هیچ چیزی پیدا نکرد. معمولاً آنهایی که شخصیت واحد همه‌جانبه‌ای از یک هنرمند درست می‌کنند، ۵۰ درصد حقیقت را نمی‌گویند. اگر نقاش فوق‌العاده‌ای باشد، فاضلانی به آن اضافه می‌کنند که واقعی نیست. در میان فلاسفه هم همین‌طور است. انسان‌ها وجوهی دارند که به نمی‌خواند. در تاریخ خودمان هنرمند اصلاً مطرح نبود. در اروپا هم همین‌طور است. تا قرون وسطی از هنرمندان سرگذشتی نمی‌بینید. چون جزء طبقه افزارمند دسته‌بندی می‌شدند. خلاقیت آنها در ساختمانی که می‌ساختند یا اثری که تولید می‌کردند دیده می‌شد ولی نمی‌دیدند او افزارمند نیست و یک هنرمند است. تا قرن ۱۸ موسیقی‌دان‌ها مستخدمین دوک‌ها بودند. باخ در زمان خودش اصلاً شناخته نشد و به‌عنوان آرگزن کلیسا برای اسقف‌ها کار می‌کرد. همه اینها ساجکت یا رعایای این سیستم بودند. از رنسانس به بعد که تحولی ایجاد شد، کم‌کم زندگی هنرمند هم مطرح شد. می‌خواهم بگویم بهتر است به جای اینکه وارد وجوه شخصیتی هنرمند شوید، به اثرش نگاه کنید. وحدت شخصیتی بسیار گمراه‌کننده و دامگاه لغزش‌هاست و بیشتر به درد سخنوران و ناصحان می‌خورد. من سیحون را استاد بزرگی می‌بینم زیرا توجهم به خلاقیت او در معماری است و کاری ندارم موسیقی می‌داند یا نمی‌داند خوش اخلاق است یا بد اخلاق، خوش لباس است یا بدلباس.

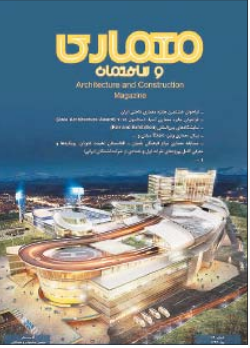
## معماری

معرفی

### معماری و نمایشگاه‌های جهانی

**شرق**: مجله معماری و ساختمان در شماره چهل‌ودوم خود به بحث پیرامون نمایشگاه‌های بین‌المللی معماری می‌پردازد. در سرمقاله این شماره از مجله به قلم احمد زهادی آمده است: نمایشگاه پدیده‌ای برآمده از دوران مدرن است که بنا بر ضرورت تولید و عرضه انبوه کالا، در سده نوزدهم ظهور کرد. آنچه به‌عنوان نمایشگاه مدنظر است، خاستگاه‌ها و ضرورت‌های پیچیده این دوران و ما بعد آن را دربر می‌گیرد.»

اکسیو نمایشگاه جهانی است که هر پنج سال یک‌بار با رویکردهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فشاری در حوزه معماری برگزار می‌شود. اولین دوره این نمایشگاه پس از انقلاب صنعتی فرانسه در هایدپارک لندن در سال ۱۸۵۱ برگزار شد که به‌عنوان اولین نمایشگاه مدرن جهانی شناخته شد و نمایشگاه بزرگ صنعت ملل نام گرفت. اما این رویکرد در دوره‌های بعدی نمایشگاه مکررنگ شد و به نقد صنعتی‌شدن پرداخت.



فصل‌نامه معماری و ساختمان در این شماره به این دو رخداد مهم جهانی پرداخته است. هم‌زمانی برگزاری اکسیو میلان و دوسالانه هنر ونیز که امسال بخش کوچکی را هم به معماری اختصاص داده، فرصت مناسبی است تا به ماهیت و موضوع نمایشگاه‌های جهانی و موضوعی مشترک در آنها پرداخت. به‌خصوص که ایران نیز در سال‌های گذشته چندین دوره به این دو نمایشگاه رفته و اسامال نیز در هر دو نمایشگاه شرکت دارد.

در بخش نمایشگاه‌های بین‌المللی، مقاله «بازگشت به بنیادها» به قلم میلاد ضابطی در درباره چهاردهمین دوسالانه معماری ونیز می‌خوانیم و «از پاریس تا میلان» نام مقاله‌ای است که پگاه الیهان درباره موضوعات نمایشگاه جهانی اکسیو نوشته است. دیگر مقالات این بخش «مسابقه طراحی نمایشگاه» که به بررسی اهداف و چشم‌اندازهای ملی و بین‌المللی نمایشگاه اکسیو می‌اندازد، «جستاری در چیستی نمایشگاه» از هلنا بنهام است. همچنین مقاله «کوشک ایتالیا در اکسیو میلان» با ترجمه یاسین درودیان به بررسی پاپیون ایتالیا در اکسیو ۲۰۱۵ پرداخته و ساخت و اجرای آن را بررسی کرده است.

از دیگر بخش‌های این فصل‌نامه، جایزه و کنفرانس معماری است که در این بخش فراخوان هشتمین جایزه معماری داخلی ایران و فراخوان جایزه معماری آسیا معرفی و اعلام شده است. هم‌زمان با مراسم هشتمین جایزه معماری داخلی ایران از «مهدی علیزاده‌سقطی» نیز به‌عنوان معمار معاصر تقدیر می‌شود. در بخش «مسابقه معماری مرکز فرهنگی بامیان افغانستان» پروژه‌های نفرات اول و تعدادی از شرکت‌کنندگان ایرانی بررسی می‌شود. بخش «هنرهای دیگر» مروری است بر آثار و مجسمه‌های پرویز تالاولی و بخش پایانی گزارش «دیار آشت» در شهری ییگانه» به قلم بیژن جلالی و به مناسبت نمایشگاه سفر به اصفهان در پاریس و گزارش کوتاهی از نمایشگاه آثار شقایق عربی و گول‌آزهای وی آورده شده است.

شماره ۴۲ فصل‌نامه معماری و ساختمان در بهار ۱۳۹۴ و با قیمت ۱۲هزار تومان منتشر شده است.

ستون سوم

**نگاهی به میراث «سیحون»**



علی اعطا

بسیاری از معماران ایرانی که درحال‌حاضر دوران کهن‌سالی را سپری می‌کنند، در دوران دانشجویی در دانشکده هنرهای زیبا، شاگرد هوشنگ سیحون بوده‌اند. این معماران که با سیحون مواجهه مستقیمی از نوع استاد و شاگردی داشته‌اند، این استاد کم‌نظیر معماری را با تعابیر متنوعی به یاد می‌آورند: معلمی برجسته، معماری هنرمند، شخصیتی کاریزماتیک، از آغازگران معماری نوگرای ایرانی، طراح و نقاشی برجسته و تعابیری از این‌دست. درواقع، تنوع فعالیت‌های سیحون و چیره‌دستی او در زمینه‌های مختلفی که فعالیت می‌کرد، نام او را ماندگار کرده است.

هوشنگ سیحون در دورانی که در ایران به فعالیت مشغول بود، حداقل در دو بعد، تأثیرات انکارناپذیری داشت؛ یکی بعد معلمی، که حاصل آن تربیت شاگردانی است که بعدها در معماری ایران منشأ اثر بسیاری شدند، آثاری قابل توجه را شکل دادند و در مواردی توانستند گفت‌وگوهایی فرهنگی را نسبت به معماری معاصر ایران شکل دهند. یکی از ویژگی‌هایی که از روش آموزش سیحون برمی‌شامند، این است که سیحون بی‌آنکه سلیقه زیبایی‌شناختی خاصی را بر دانشجویان تحمیل کند، سعی می‌کرد با اشاراتی غیرمستقیم و عباراتی موجز، با نشان‌دادن جنبه‌های برجسته‌ای از آثار معماری، سطح درک و فهم و سطح سلیقه زیبایی‌شناختی دانشجویان را بالا ببرد؛ اشاراتی که شاید در ظاهر گنگ و نامفهوم به نظر می‌رسیدند، اما در فهم ویژگی‌های آثار معماری، می‌توانستند زبانی مشترک را پدید بیاورند که تنها در آتلیه‌های سیحون معنا می‌شد، شاید ازهمین‌روست که بسیاری از شاگردان سیحون، معمارانی که امروز ۸۰،۷۰ ساله هستند، با وجود جهت‌گیری‌ها و برداشت‌های مختلفی که از معماری دارند، در مواردی می‌توان زبان مشترکی در آثارشان جست‌وجو کرد که گویی از یک خاستگاه یکسان برمی‌آید.

برای بسیاری از شاگردان سیحون، او معلمی چیره‌دست است که با سفرهای معمارانه با دانشجویان برای کشف دوباره سرزمین مادری معنا می‌شود؛ استادی برجسته که معماری ایران را به‌خوبی می‌شناسد، بر مسائل فنی جدید، تسلطی قابل‌تأمل دارد. این معلم، نسلی از شاگردان را تربیت می‌کند که عمده‌ا علاوه بر گرایش به معماری مدرن، نگاهی به سنت دیرینه معماری ایرانی دارند.

در بعد دیگر، سیحون را به‌عنوان معماری می‌شناسیم که آثار ماندگار بسیاری خلق کرد. امروزه بسیاری از این آثار، جایگاه خود را در فرهنگ عمومی و فهم عامه نسبت به معماری تثبیت کرده‌اند. بخش قابل‌توجهی از آثار سیحون، به یادمان‌هایی تبدیل شده‌اند که بر غنای فرهنگی و هویتی مکان‌ها افزوده‌اند؛ به گونه‌ای امروزه به‌عنوان مثال مشکل می‌توان آرامگاه نادر، بوعلی‌سینا یا



کمال‌الملک را بی‌معماری سیحون تصور کرد.

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توانیم آثار سیحون را به سه‌دسته تقسیم کنیم: خانه‌ها، بناهای عمومی و بناهای یادمانی. گفته می‌شود سیحون بیش از ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را به سرانجام رسانیده است که اگر این عدد درست باشد، باید گفت ما امروزه بخش بسیار کوچکی از این آثار را می‌شناسیم و اطلاعات دقیقی نداریم که چه تعداد از این آثار، همچنان پایرجا هستند و چه تعداد در معرض از بین‌رفتن قرار دارند یا تخریب شده‌اند.

در حوزه ساختمان‌های عمومی، سیحون را عمدتاً با طرح ساختمان شعبه مرکزی بانک سپه می‌شناسیم که در خیابان امام‌خمینی در مجاورت بانک سپه قرار دارد. از ساختمان‌های عمومی دیگری که سیحون طراحی کرد، می‌توان به ساختمان دانشگاه شریعتی، کارخانه‌های کانادادارای (مزم) در تهران و اهواز اشاره کرد که مهارت و آشنایی او را با معماری مدرن آن زمان نمایان می‌کند.

اما بخش پراهمیتی از معماری سیحون، آثار یادمانی اوست. در این‌گونه آثار است که سیحون، به‌عنوان استادی چیره‌دست که معماری ایران را به‌خوبی می‌شناسد، در برابر ما نمایان می‌شود. در آثار یادمانی سیحون، عمداً با برداشت‌هایی تازه از عناصر، الگوها و هندسه کهن معماری ایرانی مواجه می‌شویم. در این دسته آثار، سیحون به گونه‌ای از معماری مدرن با ویژگی‌های تاریخ‌گرایانه دست یافته است که به لحاظ زیبایی‌شناسی، تناسبات زیبا در سطحی بسیار والا قرار دارد. به‌عنوان مثال، آرامگاه کمال‌الملک، با خلق ترکیب بدیعی با استفاده از عناصر قوسبی، با تناسباتی چشم‌نواز، محصول فهم عمیق میراث معماری در کنار خلاقیتی کم‌نظیر است. تداوم فرهنگی و معمارانه در این اثر و دیگر آثار این چنینی، آه‌آهی قابل درک است.

